

# نگاه قانون به انتخاب همسر

نگاهی حقوقی به برخی از چالش‌های پیرامون ازدواج



پس از انجام مراسم خواستگاری و تعیین شروط ضمن عقد، نوبت به جاری شدن صیغه عقد نکاح می‌رسد. در این زمینه موارد حقوقی جالبی وجود دارد که بسیاری از آن بی‌خبرند، مثلاً پس از عقد نکاح لازم است که نکاح ثبت شود. اگر نکاح ثبت نشود جرم تلقی شده و مجازات دارد. فریب در ازدواج یا به اصطلاح علم حقوق «تدلیس در نکاح» هم از دیگر چالش‌های حقوقی ازدواج است.

■ ■ ■

در ایران از آنجا که دین رسمی اسلام و مذهب رسمی کشور شیعه است، در خصوص خواندن صیغه عقد نکاح شرایط خاصی وجود دارد و هر فردی صلاحیت ندارد که صیغه نکاح را جاری کند.

■ **به چالش کشیدن قانون از سوی برخی فرصت‌طلبان**

اولین سؤالی که شاید ذهن اکثر افراد جامعه ما را درگیر خود می‌کند، این است که صیغه نکاح چیست و چگونه واقع می‌شود؟
نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد از دواج نماید. در ماده ۱۰۶۳ قانون مدنی قانونگذار ما بیسای می‌کند: ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

سؤالی که برخی فرصت‌طلبان برای به چالش کشیدن قانون و شرع در فضای مجازی مطرح می‌کنند، این است که آیا باید صیغه عقد نکاح را برای ازدواج خواند یا همسین که در نفر همدیگر را دوست داشته باشند کفایت می‌کند و اگر باید ایسن صیغه را خواند، آیا لزومی دارد صیغه عقد نکاح حتماً به زبان عربی خوانده شود یا می‌توان به زبان‌های دیگر هم صیغه عقد را خواند؟!

برای ازدواج کردن در ایران حتماً باید صیغه عقد نکاح را بخوانیم تا ازدواج ما رسمی شود. در کشور ما ازدواج سفید تحت هیچ شرایطی پذیرفته نشده است که این مسئله با توجه به شرایط جامعه بسیار کار منطقی و درستی است.

در خصوص خواندن صیغه عقد نکاح به زبان عربی یا زبان‌های رسمی کشورهای دیگر هم این مسئله بیشتر رنگ و بوی فقهی دارد تا رنگ و بوی حقوقی و از آنجا که حقوق کشورمان برگرفته از فقه اسلامی است، نظر علمای شیعه در این خصوص حرف آخر است.

توسل به زور» می‌گویند، اصل مذکور نیز متأثر از نظریه «جنگ عادلانه و نا عادلانه» استثنائاتی دارد که عبارتند از: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و دفاع مشروع.

مفهوم دفاع مشروع در حقوق آن است که چنانکه شخصی مورد تجاوز دیگری قرار گیرد و فرصت لازم برای توسل به قوای دولتی جهت رفع تجاوز نداشته باشد، می‌تواند به نیروی شخصی خویش از ناموس، جان یا مال مشروع خود دفاع کند.

این تعریفی است که در حقوق داخلی و مدنی اکثر کشورها وارد شده و

لازم، صیغه ازدواج باید به عربی خوانده شود. خواندن

صیغه به زبان غیر عربی در صورتی صحیح است که زن و مرد عاجز باشند و نتوانند به زبان عربی آن را بخوانند که در این صورت باید به گونه‌ای بخوانند که ترجمه و معادل عبارت عربی صیغه ازدواج باشد.

■ **شرایطی که عاقد باید داشته باشد**

این نکته بسیار مهم را هم باید گفت که هر فردی صلاحیت ندارد صیغه عقد نکاح را بخواند. در خصوص شرایط عاقد، قانونگذار سا در ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی به صراحت بیان می‌کند: عاقد باید عاقل، بالغ و قاصد باشد. البته باید گفت که عاقد در این ماده، کسی است که برای خود عقد نکاح می‌خواند یا فردی است که به نمایندگی از دیگری کسی را عقد می‌کند.

در ماده ۱۰۷۱ قانون مدنی، قانونگذار ما می‌گوید: هر

یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر بدهد. این بیان قانونگذار به زبان ساده، یعنی اینکه اگر مرد و زن خودشان بلد نباشند صیغه عقد را بخوانند، می‌توانند برای خواندن صیغه عقد به فرد دیگری که شرایط خوانندن صیغه عقد را دارد، وکالت بدهند تا فرد مورد نظر صیغه عقد را بخواند. نکته مهمی که باید گفت، این است که مطابق ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی، وکیل در خواندن صیغه ازدواج حق ندارد موکل را برای خود عقد کند، مگر این ادن صریحاً به وکیل داده شده باشد.

■ **چالش دوم: نگاه قانون به اشتباه در انتخاب همسر**

گاهی ممکن است اشتباه در شخصیت افراد برای ازدواج رخ دهد، به‌طور مثال فردی می‌خواهد با یک دختر ازدواج کند، اما اشتباهاً خواهر آن دختر را برای آن فرد عقد می‌کنند. این مسئله در زمان‌های قدیم زیاد اتفاق می‌افتاده، اما در خصوص اینگونه اشتباهات در عقد نکاح، قانونگذار ما در ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی می‌گوید: تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شیبه نباشد، شرط صحت نکاح است.

در ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی هم قانونگذار اعلام می‌کند: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند نافذ است، مگر اینکه اکراه به درجه‌ای برسد که عاقد فاقد قصد باشد. به بیان ساده‌تر، قانونگذار ما در این ماده می‌خواهد به فرد د یگری که شرأاً باید صیغه عقد صیغه عقد را دارد، وکالت بدهند تا فرد مورد نظر صیغه عقد را بخواند

■ **چالش چهارم: تأثیر عسر و حرج در زندگی مشترک؟!**

چالش دیگر ازدواج که بسیار هم مهم است، بحث طلاق زوجین است. از آنجا که در قوانین موجود در کشور ما حق طلاق مطلق با مرد است، زن‌ها در مواردی که وکالت در طلاق از شوهر خود نداشته باشند، می‌توانند به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که بحث عسر و حرج را بیان کرده است از شوهر خود تقاضای طلاق کنند.

قاعده لاجرح که به قاعده نفی عسر و حرج معروف است، مستند فقهی است و بر اساس آیات و روایات متعددی مشروعیت پیدا کرده است. مصداق بارز عسر و حرج را می‌توانیم در این ۸ سوره حج ببینیم. در لغت عسر به معنای سختی و دشواری و حرج به معنای تنگناست.

کاربرد اصلی عسر و حرج در زندگی مشترک بین زوجین دیده می‌شود. جایی که شرایط در زندگی مشترک برای زوجه (زن) سخت و مشقت‌بار می‌شود و می‌خواهد زندگی مشترک را ترک کند یا به نوعی می‌خواهد طلاق بگیرد. از آنجایی که طبق قوانین موجود در کشور ما، حق طلاق با مرد است، زن می‌تواند در حالت عسر و حرج از شوهر خود طلاق بگیرد.

مطابق با ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، قانونگذار ما بیان می‌کند: در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

در واقع عسر و حرج در این ماده، یعنی مشقت و سختی شدید، قانونگذار ما در این ماده می‌خواهد بگوید اگر زوج در زندگی مشترک بیش از حد معمول به زوجه فشار روحی یا آسیب جسمی وارد کند، زوجه می‌تواند به

نمونه‌های دیگری که قبل از خواستگاری متوجه راست

یا دروغ بودن آن، حتی با تحقیق هم نمی‌شویم در علم حقوق به این کار تدلیس در نکاح می‌گویند که هر کدام از طرفین کسه قربانی این فریب شده باشد، می‌تواند تقاضای فسخ نکاح را بدهد.

مطابق با ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات قانونگذار به صراحت بیان می‌کند: چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقدن از دواج طرف خود را به

امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

هر گاه تدلیس به وسیله شخص ثالثی واقع شود، چنانکه پدر یا مادر پسر یا دختر یا واسطه ازدواج، صفاتی برخلاف واقع برای همسر یا شوهر ذکر کرده و طرف دیگر را فریب داده باشد، فریب‌خورده حق فسخ نکاح را خواهد داشت.

فردی که در ازدواج به خاطر ادعاهای توخالی از طرف مقابل فریب‌خورده است، این حق را دارد که تقاضای فسخ نکاح را کند. چنانکه قانونگذار ما در ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی بیان می‌دارد: هر گاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متیناً بر آن واقع شده باشد. نکته مورد توجه این است که فسخ نکاح، تشریفات خاص طلاق را ندارد و فرد فریب‌خورده به راحتی می‌تواند تقاضای فسخ نکاح را بدهد.

سؤال مهم دیگر این است، فردی که فریب‌خورده دیده می‌شود، بعد از تزویج و به عملی دادگاه‌ها به صورتی (زن یا مرد) مراحل فسخ عقد نکاح را چگونه باید به انجام برساند؟ آنچه در رویه عملی دادگاه‌های خانواده در خصوص این مورد وجود دارد، این است که فرد فریب‌خورده ابتدا یک اظهارنامه قانونی برای طرف مقابل خود ارسال کند.

پس از ارسال اظهارنامه هم دادخواستی مبنی بر تدلیس در نکاح در دادگاه خانواده مطرح کند. دادگاه نیز پس از بررسی ادله موجود و صحت آن ادله، حکم بر فسخ نکاح را صادر می‌کند.

نکته مهم دیگر که باید گفت ایسن است که اگر مردی مهره را قبل از نکاح کامل پرداخت کرده باشد و نکاح به دلیل فسخ از بین برود، مرد می‌تواند تمامی مهریه را از زوجه خود مطالبه کند.

■ **دیدهبان**

■ **«برگ سبز» دفاتر اسناد رسمی را ضرر به فنی کرد!**

■ **علیرضا سزاوار**

اختلاف کانون سردفتران و دفتریاران با پلیس راهور در خصوص صدور سند خودرو از اواسط سال گذشته به سرانجام خود نزدیک شد و عملاً دفاتر اسناد رسمی از چرخه ثبت نقل و انتقال خودرو توسط مردم کنار گذاشته شدند.

در آخرین روزهای سال ۱۳۹۹ دیوان عدالت اداری یک رأی برای ابطال بندهایی از یک بخشنامه صادره از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر کرد. این رأی به معنای اعتبارافزایی به برگ سبز صادره از سوی مراکز تعویض پلاک بود.

اقدام دیوان عدالت باعث شد برخی افراد برای حضور در دفاتر اسناد رسمی برای تنظیم سند خودرو دچار تردید شوند، اما این تردید زمانی به تصمیم قطعی منجر شد که دادستان کل کشور دستوری را صادر و در آن به دادستان‌های استان‌ها اعلام کرد: برگ سبز به معنای سند رسمی خودرو است و تنظیم سند در دفاتر اسناد اختیاری است.

در نتیجه یکی از درخواست‌های مردم درباره حذف

دوباره کاری و هزینه‌کرد زیاد در بحث نقل و انتقال مالکیت خودرو محقق شد.

■ **مقابله با دستور دادستان کل کشور**

از طرف دیگر دادستان کل کشور هم بر رسمیت برگ سبز تأکید کرد. برخی از کانون‌های سردفتری در استان‌ها، بخشنامه‌ای صادر و در آن اعلام کردند که تنظیم هر گونه وکالتنامه به استناد برگ سبز ممنوع است! این بخشنامه در نقطه مقابل دستور دادستان کل کشور قرار داشت.

با این حال برخی دفاتر اقدام قانونی خود را برای تنظیم وکالتنامه به اسناد برگ سبز با توجه به رأی دیوان عدالت اداری و نیز دستور دادستانی کل کشور در میان شمات و مقابله همکاران خود ادامه دادند.

کرب‌گزاری تسنیم از این سردفتران با عنوان افرادی یاد کرد که معتقد بودند با مقاومت، ایستادگی و ممانعت از تنظیم وکالتنامه در حالت جدید می‌توان مردم را مقابل دستنگاه قضا قرار داد تا دوباره بسند خودرو به دایره حکمرانی سردفتران بازگردا!

تصور مضحکی که البته با شکست مواجه شد و به گواه برخی سردفتران، مقاومت قبلی وجود ندارد و تعداد دفاتری که این وکالتنامه‌ها را تنظیم می‌کنند خیلی بیشتر شده است.

■ **گفت‌وگوی‌های جالب اینستاگرامی**

چندی پیش حسین حسینی‌نیک، رئیس هیئت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران بز در گفت‌وگوی زنده اینستاگرامی برده از واقعبت کاهش درآمد دفاتر برداشت گفت: از تاریخ یکم فروردین تا ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ مبلغ درآمد کانون سردفتران و دفتریاران ۳ هزار و ۵۴ میلیارد تومان بود که در همین بازه در سال ۱۴۰۰ این درآمد به هزار و ۵۱۸ میلیارد تومان کاهش یافت!

این آمار هر چند با افزایش علی الحساب سقف درآمد دفاتر در نیمه دوم اسفند گذشته همخوانی ندارد، اما حاکی از کاهش تقریباً ۵۰ درصدی درآمد دفاتر ثبت اسناد است.

مردم هم با عنایت به دستور دادستان کل کشور، علاقه‌ای به تنظیم سند خودرو در دفاتر اسناد ندارد و به همان برگ سبز صادره پلیس در مراکز تعویض پلاک بسنده می‌کنند.

همین قضیه مورد اعتراف علی خندانی، رئیس کانون سردفتران و دفتریاران هم قرار گرفت. او نیز در یک گفت‌وگوی اینستاگرامی دیگر اعلام کرد بعد از نامه

برای تنظیم سند خودرو به شدت کاهش یافته است. سال گذشته معاونت قوانین مجلس، یک طرح دوفوریتی را برای دفاع از حقوق عامه به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.

طبق این طرح، ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی اینگونه اصلاح می‌شود:

ماده ۲۹- نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود و برگ سبز صادره از سوی نیروی انتظامی سند قطعی خودرو تلقی می‌گردد. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند جهت هر گونه نقل و انتقال خودرو به ادارات راهنمایی و رانندگی (مراکز تعویض پلاک) مراجعه نمایند.

تبصره ۱- ادارات راهنمایی و رانندگی موظفند ضمن بررسی اصالت وسیله نقلیه، هویت مالک، پرداخت جریمه‌ها و دیون معوق و تعویض پلاک، نسبت به صدور برگ سبز خودرو اقدام نمایند.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های دادگستری و کشور و نیروی انتظامی ظرف مدت یکم ماه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

البته با توجه به بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱، تمامی برنامه‌های کمیسیون‌ها از دستور خارج شدند. این طرح هم اسمال و پس از چکش‌کاری در کمیسیون (اجتماعی یا قضایی و حقوقی) در صحن علنی به رأی نمایندگان گذاشته خواهد شد.

به هر حال صدور رأی وحدت رویه (به شرط تهیه مدارک و آرای مورد درخواست دیوان عالی کشور انتظامی سند قطعی خودرو تلقی می‌گردد. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند جهت هر گونه نقل و انتقال خودرو به ادارات راهنمایی و رانندگی (مراکز تعویض پلاک) مراجعه نمایند.

تبصره ۱- ادارات راهنمایی و رانندگی موظفند ضمن بررسی اصالت وسیله نقلیه، هویت مالک، پرداخت جریمه‌ها و دیون معوق و تعویض پلاک، نسبت به صدور برگ سبز خودرو اقدام نمایند.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط

وزارتخانه‌های دادگستری و کشور و نیروی انتظامی ظرف مدت یکم ماه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت

وزیران می‌رسد.

۴. دفاع باید فوری باشد و متعاقب تجاوز صورت پذیرد و چنانچه تجاوز پایان یافته باشد و دفاع مدتی پس از آن انجام گیرد، اقدام مزبور تلقی جویی تلقی می‌گردد که از منظر حقوق بین‌الملل ممنوع است، مگر اینکه اشغال و تجاوز استمرار داشته باشد.

۵.اطلاع‌رسانی به شورای امنیت.

علاوه بر شروط فوق برای تحقق دفاع مشروع جمعی که شکل دیگری از دفاع توسط مجموعه‌ای از کشورها در مقابل کشور متجاوز است، دو شرط دیگر لازم است که عبارتند از:

الف -دولت قربانی باید اعلام کند که مورد تجاوز قرار گرفته است.

ب -دولت قربانی رسماً از دیگر کشورها درخواست کمک کند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مداخله نظامی نیکاراگوئه در السالوادور و دخالت دولت آمریکا در این قضیه، رعایت این دو شرط را برای دفاع مشروع جمعی، الزامی و اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

■ **کارشناس ارشد حقوق ثبت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری**



به زور برای دفع تجاوز نباشد، هر چند این شرط عنینت نداشته و معمولاً رعایت نمی‌شود.

۳.میان حمله و دفاع تناسب وجود داشته باشد و چنانچه تجاوز در حد یک درگیری کوچک مرزی رخ دهد، کشور مدافع نمی‌تواند به اسم دفاع از خود خسارات سنگینی به کشور متجاوز وارد کند.